

تخت جمشید
یادگار نیاکان
Persepolis
A Monument From Our Antecedents

www.ketab.ir

سرشناسه : دایی، نادر، ۱۳۴۲ - عکاس
عنوان و نام پدیدآور : تخت جمشید یادگار نیاکان/ عکس نادر دایی؛ متن اریک ف. اشمیت؛ ترجمه
مهران خاتمی.

مشخصات نشر : مشهد: نخست ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری : ۲۲۴ ص. مصور (رنگی).
شابک : 978-964-8743-19-7

وضعیت فهرست نویسی : فیا
یادداشت : فارسی - انگلیسی
یادداشت : عنوان به انگلیسی: Persepolis : A Monument from our antecedents
photography

موضوع : تخت جمشید - مصور
شناسه افزوده : اشمیت، اریک فریدریش، ۱۸۹۷ - ۱۹۶۴ م.
شناسه افزوده : Schmidt, Erich Friedrich
شناسه افزوده : خاتمی، مهران السادات، مترجم
رده بندی کنگره : TR ۶۵۴/د۲۳ ت ۳ ۱۳۸۸

DSR ۵۵/د۹ ت ۲ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : [۹۵۵/۶۳۷.۰۰۲۲۲]

۷۷۹/۹۵۵۶۳۷

شماره کتابشناسی ملی : ۸۷۶۴۴۹۱

Persepolis - A Monument From Our Antecedents
Photography by : Nader Daii

عکس: نادر دایی

متن: اریک ف. اشمیت Text : Erich F. Schmidt
طراح گرافیک و کلانظر فنی بر چاپ: مهرداد رباط جزی Graphic Designer : Mehrdad Robatjazi
اجرا: امیر کریمی Executed by : Amir Karimi
ترجمه: مهران خاتمی Research & Translation : Mehran Khatami
ویراستار: ابوزر خسرو Edited by : Abuzar Khosravi
لیتوگرافی: فرایند گوینا Litography & Scan : Farayand-e-Gooya
چاپ اول: بهار ۸۹ First Edition : Hadi, 2010
صحافی: معین Binding : Moein
شمارگان: ۵۰۰۰ جلد Circulation : 5000
ناشر: نشر نخست ۰۵۱۱-۸۵۴۵۷۰۰ Publisher : Nakhost (+98 511)8545700



پخش: فرهنگسرای میردشتی Distribution:
تهران: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، نیش Farhangsara Mirdashti
وحید نظری، مجتمع تجاری نادر، فرهنگسرای میردشتی www.fmirdashti.com
تلفن: ۰۲۱-۶۶۳۹۰۶۶۰-۲۱، فکس: ۰۲۱-۶۶۳۹۱۹۶۸-۲۱ www.fmirdashti.ir



صاحب امتیاز: شرکت چاپ و صحافی پدیده سرآمد
پاسداران - بوستان هشتم - پلاک ۱۲۰ - طبقه دوم - واحد ۷
تلفکس: (۱۰ خط) ۰۲۱-۲۲۷۶۰۸۹۵ - ۲۲۵۴۹۹۵۵
Email : padidehsaramad@yahoo.com

هرگونه بهره برداری از تصاویر و متن این کتاب
منوط به مجوز کتبی از شرکت چاپ و صحافی پدیده سرآمد می باشد.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۴۳-۱۹-۷ ISBN : 978-964-8743-19-7



پیش‌گفتار

تخت جمشید و ایران باستان

ویرانه‌های باشکوه تخت جمشید در دامنه "کوه مهر" (کوه رحمت) در دشتی به نام "مرو دشت" ۵۷ کیلومتری شمال شرقی شیراز در استان فارس، قرار دارد.

تاریخ دقیق پیدایش تخت جمشید هنوز، ناشناخته است. گمان می‌رود داریوش اول کار روی این تختگاه را آغاز کرده باشد. ساختمان‌های این تختگاه بین سال‌های ۵۱۶ تا ۵۱۸ پیش از میلاد بنا شدند. تخت جمشید مکانی برای نمایش و جایگاه امپراطوری گسترده هخامنشیان به شمار می‌رفت. داریوش اول با غرور، دستاوردهایش را می‌سنگ‌زد و نوشته مربوط به پی بنا که طی کاوش، کشف شده چنین می‌گوید: "اهورا مزدا و دیگر خدایان فرمان دادند که این تختگاه ساخته شود. پس من آن را ساختم. و آن را ایمن و زیبا و پسنده ساختم. درست همان گونه که خواسته بودم."

اما شکوه و امنیت تخت جمشید دو سده پیش‌تر، یعنی تالارهای باشکوه همایش و کاخ‌های مسکونی پس از حمله و چپاول اسکندر در ۳۳۰ پ.م. در کام شعله‌های آتش سوخت. براساس گفته‌های "پلوتارک"، گنجینه‌های تخت جمشید بار ۲۰/۰۰۰ قاطر و ۵/۰۰۰ شتر، به یغما رفت.

تخت جمشید از زمان نابودی وحشیانه اش، تا سال ۱۶۲۰ پس از میلاد که شناسایی شد، بر ویرانه‌های خود، خفته بود. در طول سده‌ها پس از شناسایی تخت جمشید، مردم بسیاری به آن سفر کردند و از ویرانه کاخ‌های هخامنشیان، در سفرنامه‌ها توصیف آوردند. بسیاری از مشاهدات این مسافران، بعدها توسط جورج ن. کرزون George N. Curzon جمع‌آوری و در کتابی به نام "ایران و پرسی ایرانیان" (لندن و نیویورک ۱۸۹۲) چاپ شد. اما کار پژوهشی و علمی تا سال ۱۹۳۱ بر این ویرانه‌ها انجام نگرفت. ارنست هرتسفلد Ernest Herzfeld که آن زمان استاد باستان‌شناسی شرقی در برلین بود، همراه با جیمز اچ. بریستد James H. Breasted، سرپرست بنیاد

شرق‌شناسی در دانشگاه شیکاگو تصمیم گرفتند با یک عملیات جستجوگرانه، بر روی ویرانه‌های تخت جمشید کاوش کرده و در صورت امکان، آنچه از تخت جمشید باقی مانده را بازسازی نمایند. هرتسفلد در سال ۱۹۳۱ به عنوان نخستین سرپرست کاوش بنیاد شرق‌شناسی (Field Director) در تخت جمشید گمارده شد. از سال ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۴ او با کمک و یاری معمارش "فریتز کرفت" Fritz Krefter، تختگاه تخت جمشید و پلکان زیبای شرقی آپادانا و پلکان کوچک تالار شورا را از زیر خاک بیرون آورد. او هم‌چنین، کاخ ملکه خشایارشا را مورد کاوش قرار داد. وقتی هرتسفلد در سال ۱۹۳۴ کاوش خود را به پایان برد، اریک ف. اشمیت Eric F. Schmidt سرپرستی را به عهده گرفت. او منطقه بزرگی از محوطه تخت جمشید و اطراف آن را تا سال ۱۹۳۹ کاوش کرد. ولی همان سال، آتش جنگ اروپا، نقطه پایانی بر کارهای باستان‌شناسی او در ایران گذاشت. طی واپسین سال‌های کاوش، موزه دانشگاه فیلادلفیا و موزه دانشگاه هنرهای زیبا در "بوستون" به بنیاد شرق‌شناسی پیوست تا در این کار عظیم، همکاری نمایند.

البته همکاران اشمیت هر ساله عوض می‌شدند ولی افراد اصلی عبارت بودند از:

معماریش دونالد مک کاون Donald McCown، معماری به نام جان س. بولز John S. Bolles، دستیاری به نام الیوت اف. نویز Eliot Noyes (که در سال ۱۹۳۷ شخصی به نام ریچارد، سی. هاینز Richard C. Haines جایگزین هر دو آنان شد) و عکاسی به نام بوریس دابنسکی Boris Dubensky و بسیاری از طراحان، بایگ‌مان، خراش‌دان و بسیاری از افراد همچون آنان. برای گروه کاوش، معماری متغیر از روستائیان حدود ۲۰۰ تا ۵۰۰ نفر به کار گرفته شدند. اشمیت جزئیات آن را این گونه شرح می‌دهد که ابتدای هر فصل حدود ۲۰ تا ۳۰ کارگر از دامغان می‌آمدند. کارگران قدیمی، کارگرانی درستکار و قابل اعتماد که پیش‌تر برای کار حساس کاوش، آموزش دیده بودند. این کارگران، خود گروهی از حفاران را به کار گماشتند.

موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو ۲۰۰۹

Introduction

Persepolis and Ancient Iran

The magnificent ruins of Persepolis lie at the foot of Kuh-i-Rahmat, or "Mountain of Mercy," in the plain of Marv Dasht about 400 miles south of the present capital city of Tehran.

The exact date of the founding of Persepolis is not known. It is assumed that Darius I began work on the platform and its structures between 518 and 516 B.C., visualizing Persepolis as a show place and the seat of his vast Achaemenian Empire. He proudly proclaimed his achievement; there is an excavated foundation inscription that reads, "And Ahuramazda was of such a mind, together with all the other gods, that this fortress (should) be built. And (so) I built it. And I built it secure and beautiful and adequate, just as I was intending to." But the security and splendor of Persepolis lasted only two centuries. Its majestic audience halls and residential palaces perished in flames when Alexander the Great conquered and looted Persepolis in 330 B.C. and, according to Plutarch, carried away its treasures on 20,000 mules and 5,000 camels.

From the time of its barbaric destruction until 1620 A.D., when its site was first identified, Persepolis lay buried under its own ruins. During the following centuries many people traveled to and described Persepolis and the ruins of its Achaemenid palaces. Many of their observations were later condensed and published by George N. Curzon in *Persia and the Persian Question* (London and New York, 1892). But scholarly and scientifically planned work was not undertaken until 1931. Then Ernst Herzfeld, at that

time Professor of Oriental Archaeology in Berlin, was commissioned by James H. Breasted, Director of the Oriental Institute of the University of Chicago, to undertake a thorough exploration, excavation and, if possible, restoration of the remains of Persepolis. Thus, Herzfeld, in 1931 became the first field director of the Oriental Institute's Persepolis Expeditions. In 1931-34, assisted by his architect, Fritz Krefter, he uncovered on the Persepolis Terrace the beautiful Eastern Stairway of the Apadana and the small stairs of the Council Hall. He also excavated the Harem of Xerxes. When Herzfeld left in 1934, Erich F. Schmidt took charge. He continued the large-scale excavations of the Persepolis complex and its environs until the end of 1939, when the onset of the war in Europe put an end to his archaeological work in Iran. During the last years of excavating, the University Museum in Philadelphia and the Museum of Fine Arts in Boston had joined the Oriental Institute in order to cope with the tremendous work at hand. Schmidt's expedition staff, though varying from year to year, consisted mainly of his assistant Donald E. McCown, architect John S. Bolles and assistant Elliot F. Noyes (both later replaced in 1937 by Richard C. Haines), photographer Boris Dubensky, and various draftsman, recorders, mechanics, and the like. The digging crew, recruited from villagers, fluctuated from 200 to 500 men. Elaborating on this, Schmidt wrote that at the beginning of each season about 20 to 30 laborers arrived from Damghan, old-time workers, honest peasants and trusted hands, who were trained for the delicate job of excavating. They, in turn, recruited the bulk of the digging crew.

The Oriental Institute of The University of Chicago, 2009